



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

رسالة
«تزييه الصفوة»
في كيفية بدء النسل

نوشته:

مرجع عالیقدر عالم تشیع، فقیه، اصولی، مستظلم، حکیم،

ادیب و مفسر مرحوم آیت‌الله العظمی

ابوالمنکرم نورالدین میر سید علی علامه طائی:

(۱۳۳۳ - ۱۴۰۹ ع.ق.)

تحقیق و تصحیح:

سید محمد حسن شریعت‌موسوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة تنزيه الصفوة

نويسنده:

على علامه فاني اصفهاني

ناشر چاپي:

حوزه علميه اصفهان

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	رسالة «تَنْزِيَهُ الصَّفْوَةِ»
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه:
۱۲	نگاهی کوتاه به زندگانی مؤلف
۳۱	وجوه اشتراک الزوایتان من «العلل»
۳۱	وجوه امتیاز الزوایتان من «العلل»
۳۳	ما استفاد من روایتی «العلل»
۳۴	تبیین سند الروایتین من «العلل»
۳۵	نص الروایات
۴۰	وجوه لترجیح روایتی «العلل» و توضیح ما سلف
۴۸	منابع و مصادر
۵۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

رسالة

«تَنْزِيهِ الصُّفْوَةِ»

في كيفية بدء النسل

نوشته:

مرجع عالیقدر عالم تشیع، فقیه، اصولی، متکلم، حکیم،

ادیب و مفسر مرحوم آیت الله العظمی

ابوالمکارم نورالدین میر سید علی علامه فانی رحمه الله علیه

(1333 - 1409 ه. ق.)

تحقیق و تصحیح:

سید محمد حسن شریعت موسوی

مقدمه:

این اثر گرانقدر در زمان مؤلف با حروفچینی دستی در قم به چاپ رسید و برای دومین بار ضمن تصحیح غلط‌ها و تطبیق مطالب آن با مصادر و اشاره به آدرس و اختلافات با اندکی توضیحات در دهمین سال و در آستانه یازدهمین سالگرد رحلت مؤلف تابستان سال 1379 در دفتر دوم فصلنامه «حوزه اصفهان» و با بذل محبت مسئولین آن مؤسسه محترم مخصوصاً جناب آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی - حفظه الله - به زیور طبع آراسته گردید.

ص: 1

پسری و همراه آن پسر دختری که در روایات به «توأمه» تعبیر شده (به صورت جفت و دوقلو) می آورده و وقتی آن ها بالغ می شده اند حضرت آدم علیه السلام هر دختری را با پسر جفت دیگر به ازدواج در می آورده است تا طبقه دوم از فرزندان آدم به وجود آمده اند. در طبقه دوم ازدواج خواهر و برادر تحریم شده است و ازدواج فامیلی (دختر عمو و پسر عمو و...) شروع شده و در طبقات بعد ادامه پیدا کرده است.

مرحوم علامه طباطبایی قدس سره در کتاب شریف «المیزان» این نظریه را تقویت نموده و در صدد تحکیم مبانی آن بر آمده اند ولی بیشتر علمای امامیه به خاطر موافقت این روایات با نظر عامه و سایر خدشه هایی که بر آن ها وارد کرده اند این دسته از روایات را حمل بر تقیّه نموده اند.

دسته دوم: این دسته از روایات ضمن احتجاج با قائلین به عقیده دسته اول و نسبت دادن آن به مجوس و اشاره به بعضی خدشه های وارده بر این قول و نیز اشاره به این که حرمت تزویج خواهر و برادر از آن اموری است که قلم تشریح دو هزار سال قبل از خلقت آدم آن را در لوح محفوظ نوشته است و در همه کتب آسمانی به آن تصریح شده و این که این نوع ازدواج با قدرت الهی منافات دارد آن را مذموم دانسته و به بیان ازدواج صحیح و تناکح و تناسل طبقه اول فرزندان آدم علیه السلام و به وجود آمدن طبقه دوم از فرزندان آدم علیه السلام پرداخته است.

رساله شریفه «تنزیه الصفوة» اثر کم حجم و گران سنگ مرحوم آیت الله العظمی علامه فائز قدس سره (1333 - 1409 ه ق) که اینک پیش رو دارید با محوریت نظریه مرحوم علامه طباطبایی قدس سره ضمن بررسی این دو دسته روایت، طبقه بندی اقوال، نقاط مشترک و نقاط تمایز، روایات استفاده هایی که از روایات می شود، تبیین سند روایات به طور اختصار معارضات و مناقشاتی که در این روایات بیست مرتبه تا هفتاد مرتبه به اختلاف گفته شده است.

وجود دارد، ادله ترجیح بعضی بر بعضی و بالاخره بیان ادله قائلین به تزویج خواهر و برادر به ردّ این نظریه پرداخته است.

این رساله یک بار در زمان حیات مؤلف قدس سره در قم چاپ شده است که هم حروف چینی مطلوبی ندارد و هم در پاره ای از موارد دارای اغلاط چاپی می باشد. غلط ها و تطبیق مطالب آن با مصادر و اشاره به آدرس و اینک ضمن تصحیح اختلافات با اندکی توضیحات در دهمین سال و در آستانه یازدهمین سالگرد رحلت آن عارف نام دار و عالم فرزانه تقدیم می گردد. (1)

ما ضمن درخواست علو مقام و تعالی درجات از درگاه خداوند متعال برای این عالم پر کار، ژرف نگر و خدوم به مکتب اهل بیت علیهم السلام توجه تمامی تشنه کامان معارف اهل علیهم السلام بیت را به این رساله شریفه جلب می نمایم .

ص: 5

1- چون قرار بود این گفتار در دومین شماره این نشریه نفیس منتشر گردد و اولین شماره آن با تاخیر شش ماهه مواجه شد لذا این اثر در یازدهمین سالگرد در معرض اهل علم و معرفت قرار گرفته است.

عالم عارف مفسّر حکیم فقیه اصولی متکلم، ادیب، محقق دانشمند استاد نکته سنج و مرجع تقلید شیعیان جهان مرحوم آیه الله العظمی نور الدین ابوالمکارم میر سید علی علامه فانی قدس سره فرزند عالم عامل و واعظ کامل زاهد ورع متقی محدث، محقق، فقیه و ادیب، مرحوم آیه الله حاج سید محمد حسن فانی حسینی یزدی معروف به «فاضل یزدی» قدس سره (2) می باشد .

علامه فانی زوال روز پنجشنبه 26 ربیع الاول 1333 قمری در اصفهان دیده به جهان گشودند .

ص: 7

1- لازم به ذکر است کتاب « شرف نامه » در تحقیق و شرح حال « خاندان علامه فانی » به کوشش راقم این سطور « سید محمد حسن شریعت موسوی » در دست چاپ می باشد که تفصیل در مطالب و نیز شرح حال مبسوط از همه شخصیت های مذکور در این چند سطر را به آن جا ارجاع می دهیم و از اطاله این مقدمه پرهیز می کنیم، البته از همین جا دست همه صاحبان فضل از بستگان، دوستان شاگردان و علاقه مندان به این خاندان را با کمال صمیمیت فشرده و دعوت به همکاری می نمائیم و از آن ها می خواهیم چنان چه مطلب لازم به ذکری به نظر شریف شان می رسد آن را به ما منعکس نموده تا به نحو شایسته ای در این کتاب ذکر و همه از آن بهره مند گردند ، باشد که با این ، عمل خدمت بزرگی به جامعه علمی و باقیات صالحاتی از خویش به یادگار گذارند : غرض نقشیست کز ما باز ماند *** که عالم را نمی بینم بقائی

2- متوفای 17 ربیع الاول 1338 قمری .

تحصیلات علوم دینیّه را از سن یازده سالگی (1) شروع و مدارج مختلف علمی را نزد علمای این شهر طی کردند که از آن جمله می توان به این بزرگان اشاره کرد :

آخوند ملا عبد الله خوانساری قدس سره (2)

آیة الله شیخ محمّد حکیم خراسانی قدس سره (3)

آیة الله سید مرتضی خراسانی قدس سره

آیة الله سید محمد نجف آبادی قدس سره (4)

آیة الله شیخ محمود مفید قدس سره

آیة الله سید عبد الله ثقة الاسلام قدس سره

آیة الله میرزا ابو الهدی کلباسی قدس سره

آیة الله شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی قدس سره

آیة الله حاج میر سید علی نجف آبادی قدس سره (5)

در سال 1362 قمری پس از رحلت مرحوم آیة الله العظمی حاج میر سید علی نجف آبادی الله و بعد از سیزده سال تلمذ و کسب فیض از محضر این عالم جلیل القدر به سوی نجف اشرف ره سپار و در آن جا ضمن تدریس علوم در سطوح مختلف به محضر بعضی از اعظم علمای نجف شرف یاب و خوشه چین خرمن پرفیض علمی آنان گردیدند که از آن جمله می توان این بزرگان را نام برد

آیة الله العظمی حاج سید ابو الحسن اصفهانی مدیسه ای قدس سره

آیة الله شیخ محمّد کاظم شیرازی قدس سره

آیة الله حاج سیّد جمال الدین گلپایگانی قدس سره

حدود سال های 1390، قمری پس از مراجعت به ایران در شهر مقدّس قم رحل

ص: 8

1- در سال 1342 قمری.

2- مترفای 1349 قمری .

3- متوفای 1355 قمری .

4- مترفای 1358 قمری .

5- متوفای 13 صفر المظفر 1362 قمری .

اقامت افکندند و تا آخر عمر شریف شان در آن جا به ادامه فعالیت های علمی پرداختند

حاصل عمر با برکت و گران مایه این عالم جلیل القدر، پرورش و تربیت علماء و مراجع و محققین عالی مقامی است که در سرتاسر جهان (از عربستان، بحرین، لبنان، سوریه و عراق تا مشهد، تهران، قم و اصفهان) مشغول خدمت به مکتب تشیع می باشند برخی از این بزرگان اکنون دار فانی را وداع گفته اند - فَجَزَاهُمْ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ خَيْرَ الْجَزَاءِ.

از دیگر خدمات علمی و برکات وجودی، ایشان می توان به تحقیق تألیف و ترجمه کتاب های ارزشمند علمی اشاره کرد که طبق تحقیقات انجام شده در کتب تراجم و نیز دست نوشته های موجود بیش از هشتاد اثر در موضوعات مختلف علوم اسلامی می باشد و همان گونه که قبلاً ذکر شد تفصیل و توضیح بیشتر را به « کتاب شرف نامه » در تحقیق و شرح احوال خاندان علامه فانی که در شرف چاپ می باشد احاله می دهیم و در این جا فقط به ذکر نام بعضی از آن ها اکتفا می کنیم :

« آراء حول الارادة »

« آراء حول الشعائر الحسينية » به زبان های عربی، فارسی اردو

« آراء حول القرآن »

« آراء حول ما سأله احمد » یا « تحفة الجواهر »

« آراء فی مباحث الاصول » که شامل این قسمت ها است: « مباحث الفاظ » « اصول عملیه »، « مباحث عقلیه »

« اجرت بر عبادات یا واجبات »

« احکام بانک داری و نقد و بیان مسأله ربا »

« الامر بالمعروف و النهی عن المنکر »

« البداء عند الشيعة »

« بیان الخيانة لمن اختلس عنوان الامانة »

« ترجمه و شرح خطبه حضرت زهراء عليها السلام »

« ترجمه تقويم المحسنين مرحوم فيض كاشاني قدس سره »

« ترجمه نصائح الهدى مرحوم بلاغى قدس سره »

يا « نصيحت به فريب خوردگان باب و بهاء »

« التعليقه على العروه الوثقى »

« تفسير سوره الجمعه »

« تفسير سوره فاتحه الكتاب »

« تفسير سوره الفتح »

« تفسير سوره محمد صلى الله عليه وآله »

« تنزيه الصفوة »

« توضيح المسائل » به زبان هاى ،فارسى ،عربى انگليسى فرانسه بلتى و اردو

« حاشيه بر صراط النجاة مرحوم آية الله اصفهانى قدس سره »

« حاشيه بر وسيلة النجاه مرحوم آية الله اصفهانى قدس سره »

« الخرائج » رساله اى در احكام خراج

« الخمس الاستدلالى »

« خمسون مساله »

« دستور حج و عمره »

« ديوان فانى » در مواعظ و حكمت ها و مدايح و مراثى اهل بيت عليهم السلام

« رساله فى الجبر و الاختيار »

« رساله فى علم الامام »

« رساله فى الكبائر و الصغائر »

« سير الى الله »

« عبد الله بن عباس » در ردّ اتهام ابن عباس به اختلاس .

ص: 10

« غاية البيان في اثبات عدم تحريف القرآن »

« الفوائد الرجالية » در بیان اصحاب اجماع و جماعتی از روایت

« الفوائد العلویة » فی الکلام

« قبسات العقول » یا « چهل حدیث » به زبان فارسی که توسط خود ایشان به زبان عربی و توسط دیگران به زبان های ، انگلیسی فرانسه و اردو نیز ترجمه شده است.

« المتعهة مشروعة »

« المعارف العلویة »

«المعارف المحمدیة مجموعه ای از چند رساله در علم کلام

« مقدمات تفسیر »

« منظومه چهارده معصوم علیهم السلام »

و کتاب هائی مستقل در ابواب مختلف فقه .

هم چنین می توان به تقریر بحث هائی که توسط علمای فاضل از شاگردان ایشان جمع آوری گردیده اشاره کرد نام بعضی از آن ها به قرار زیر می باشد:

« آراء الاصول »

« آراء حول شرح شرایع الاسلام »

« المختار فی مساله الجبر و الاختیار »

« بینش کلی امام »

که بعضی از این آثار در زمان حیات ایشان به زیور طبع آراسته گردیده و مورد انتفاع اهل تحقیق است.

ایشان سر انجام مقارن اذان ظهر روز دوشنبه 23 شوال المکرم 1409 قمری مطابق با هشتم خرداد 1368 ، شمسی از این جهان فانی ارتحال و در جوار مولای

خود به دیار باقی شتافتند.

پیکر این عالم بزرگ پس از تشییعی شکوه مند و با حضور علمای اعلام و مراجع عظام و قاطبه اهل علم و معرفت در مقبره «36» صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام (به صورت امانت) به خاک سپرده شد تا حسب وصیت ایشان در زمان مقتضی به وادی السلام در نجف اشرف منتقل شود.

سَعِيداً عَائِشَ وَ سَعِيداً مَاتَ رَحْمَةً اَللّٰهِ عَلَيْهِ مَا دَامَتْ اَلْاَرْضِيْنَ وَ السَّمَوَاتُ .

ربيع الثانى 1424 قمرى - تير ماه 1382 شمسى

قم المشرفه - سيد محمد حسن شريعت موسوى

ص: 12

« تَنْزِيَهُ الصَّفْوَةِ »

فى كىففة بدء النسل

ىبىء عن كىففة بدء النسل من ولد آءم ءلله السلام

و ىبء ذلك بالطرففة المشروعة

رداً ءلى المذهب القائل بأن طرففته إنما

تمت بنكاح الاءوة الاءوات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِىْمِ

وقبل الءوض فى ءءقق المءلب؁ ىءءبىنى إن اءكر كلام العلمفن العلامفن « الففص قءس سره » فى ءفسفره « الصافى »؁ و « العلامة الطباطبائى قءس سره » فى ءفسفره « المفزان » ثم ءءقفب ذلك بكلام « الفاضل السفورى قءس سره ».

فأقول مسءعفاً بالله:

قال العلامة الطباطبائى قءس سره فى ءفسفر (1) الآفة الاولى فى سورة النساء (2)

«كلام فى ءناسل الطبقة الءانىة من الانسان :

الطبقة الاولى من الانسان وهى آءم وزوءفه؁ ءناسل بالازءواج؁ فأولءء بنفن وبناء - اءوة واءواء - فهل نسل هؤلاء بالازءواج بفنهم وهم اءوة واءواء او بطرفقف ءفر ذلك ؟

ص: 13

1- المفزان؁ 4 / 144 .

2- (بسم الله الرحمن الرحيم * يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) .

ظاهر اطلاق قوله - تعالى: (وَبَثُّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) الآية (1) على ما تقدّم من التّكريب (2) - إنّ النّسل الموجود من الانسان، إنّما ينتهي الى آدم وزوجته من غير إنّ يشاركهما في ذلك غيرهما من ذكر او أنثى، و لم يذكر القرآن للبتّ إلاّ اياهما، و لو كان لغيرهما شركة في ذلك لقال: و بثّ منهما و من غيرهما، او ذكر ذلك بما يناسبه من اللفظ، و من المعلوم إنّ انحصار مبدء النّسل في آدم وزوجته يقضى بازدواج بينهما من بناتهما.

و اما الحكم بحرمة في الاسلام و كذا في الشرائع السابقة عليه - على ما يحكى - فإنّما هو حكم تشريعيّ (3) يتبع المصالح و المفسد، لا تكوينيّ غير قابل للتّغيير، و زمامه بيد الله - سبحانه - (يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) (4) و (يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ) (5)، فمن الجائز أن يبيحه يوماً لاستدعاء الضّرورة ذلك، ثمّ يحرمه بعد ذلك لارتفاع الحاجة و استيجابه انتشار الفحشاء في المجتمع.

و القول بإثمه على خلاف الفطرة (و ما شرّعه الله لأنبيائه دين فطريّ، قال تعالى: (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ) (6) فاسدٌ، فإنّ الفطرة لا تنفيه و لا تدعو الى خلافه من جهة تنفريها عن هذا النوع من المباشرة - مباشرة الاخ الاخْت - و إنّما تبغضه

ص: 14

1- النساء / 1.

2- الميزان، 136/4، ذيل « بيان ».

3- قال العلامة الطباطبائي - قدس سرّه - من قبل هذا بثمان صفحات، ما هذا نصه: و ثانيهما [اي امر الثاني مما يتفرع على ظاهر هذه الآية] إنّ الازدواج في الطبقة الاولى بعد آدم وزوجته - اعنى في اولادهما بلا واسطة - إنّما وقع بين الاخوة و الاخوات - ازدواج البنين و البنات - إذ الذكور و الاناث كانا منحصرين فيهم يومئذٍ و لاضير فيه، فإنّه حكم تشريعي راجع الى الله - سبحانه - فله إنّ يبيحه يوماً و يحرمه آخر، قال الله تعالى: (وَ اللَّهُ يَحْكُمُ لَمْ نَعْدَبْ لِحُكْمِهِ) الرعد / 41، و قال: (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) يوسف / 140، و قال: (وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا) الكهف / 26، و قال: (هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) القصص /

70؛ ر.ك: الميزان، 1374

4- آل عمران / 40 .

5- المائدة / 1 .

6- الروم / 30 .

و تنفيه من جهة تأديته الى شيوع الفحشاء و المنكر و بطلان غريزة العفة بذلك و ارتفاعها عن المجتمع الانساني و من المعلوم أنّ هذا النوع من التماسّ و المباشرة إنّما ينطبق عليه عنوان الفجور و الفحشاء في المجتمع العالميّ اليوم و امّا المجتمع يوم ليس هناك بحسب ما خلق الله - سبحانه - إلاّ الاخوة و الاخوات و المشيئة الالهية متعلقة بتكثّرهم و انبثاّتهم فلا ينطبق عليه هذا العنوان .

و الدليل على أنّ الفطرة لا تنفيه من جهة الثّرة الغريزية ، تداوله بين المجوس اعصاراً طويّلة - على ما يقصّه التاريخ - و شيوعه قانونياً في « روسيا » - على ما يحكى - و كذا شيوعه سفايحاً من غير طريق الازدواج القانونيّ في « اروبه » (1)

و ربما يقال: إنّ مخالف للقوانين الطبيعيّة و هي التي تجرى في الانسان قبل عقده المجتمع الصّالح لإسعاده، فإنّ الاختلاط و الاستيناس في المجتمع المنزليّ، يبطل غريزة التعشق و الميل الغريزيّ بين الاخوة و الاخوات - كما ذكره بعض علماء الحقوق (2)

و فيه إنّ ممنوع - كما تقدّم أولاً - ، و مقصور في صورة عدم الحاجة الصّـرورية - ثانياً - و مخصوص بما لا تكون القوانين الوضعيّة غير الطبيعيّة حافظّة للصّـلاح الواجب الحفظ في المجتمع ، و متكفّلة لسعادة المجتمعين و إلاّ فمعظم القوانين المعمولة و الاصول الدائرة في الحياة اليوم غير طبيعيّة. (3)

ص: 15

- 1- (الميزان ذيل نفس الصفحة) : من العادات الرائجة في هذه الازمنة في الملل المتمدّنة من اوروبا و امريكا ، إنّ الفتيات يزلن بكارتهنّ قبل الازدواج القانونيّ و البلوغ الى سنة و قد انتج الاحصاء إنّ بعضها إنّما هو من ناحية آبائهنّ او اخوانهن.
- 2- يعنى به موتسكيو في كتابه «روح القوانين» منه - رحمه الله.
- 3- انتهى كلام صاحب الميزان، 144/4.

وقال العلامة الفيض الكاشاني قدس سره عند ذكر الآية السابقة ما هذا نصّه: (1)

[1] وفي «العلل»، عن الصادق عليه السلام «إنّه سئل (2) عن بدء (3) للنسل (4) من ذرية آدم عليه السلام وقيل (5): إنّ عندنا اناساً (6) يقولون: إنّ الله - تعالى (7) - اوحى الى آدم عليه السلام إن يزوّج بناته من بنيه وإنّ هذا الخلق اصله كلّ (8) من الاخوة و الاخوات، فقال عليه السلام (9): سبحان الله و تعالى عن ذلك علوّاً كبيراً! يقول من يقول هذا: إنّ الله - تعالى (10) - جعل اصل صفوة خلقه و احبّائه و انبيائه و رسله (11) و المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات من حرام و لم يكن له من القدرة ما يخلقهم من الحلال و قد اخذ ميثاقهم على الحلال و الطّهر الطّاهر الطّيب و الله! لقد تبيّن (12) إنّ بعض البهائم تنكّرت له اخته، فلمّا نزا (13) عليها و نزل و (14) كشف له عنها و علم إنّّه (15) اخته اخرج عزموله (16) ثم قبض عليه بأسنانه ثم قلعه ثم خرّ ميّتاً. (17)

[2] وفي رواية اخرى، عنه عليه السلام ما يقرب منه مع تأكيد بليغ في تحريم الاخوات

ص: 16

1- الصافي، 415/1.

2- علل الشرايع: سئل ابو عبد الله - عليه السلام - كيف بدو النسل من ذرية آدم عليه السلام - عليه السلام.

3- الصافي بدو؛ علل الشرايع بدو

4- علل الشرايع و الصافي النسل

5- الصافي: قيل له وقيل ليس في رواية علل الشرايع.

6- علل الشرايع: فإنّ عندنا اناس.

7- علل الشرايع: تبارك و تعالى.

8- علل الشرايع: كله اصله.

9- علل الشرايع: قال ابو عبد الله - عليه السلام -

10- علل الشرايع و الصافي: عزّ و جلّ.

11- علل الشرايع: و حججه.

12- علل الشرايع: نبات.

13- الصافي: نزل.

14- «و» ليس في رواية علل الشرايع و الصافي

15- علل الشرايع و الصافي: إنّها.

16- الصحيح: الغرمول بضم الغين المعجمة الذكر؛ رك: القاموس المحيط للفيروزآبادي 34/4 باب اللام، فصل الغين.

17- علل الشرايع ط مكتبة الحيدرية بالنجف الاشرف، باب 17 (علة كيفية بدء النسل)، ص 17، ح 1.

على الاخوة وإنه لم يزل كان كذلك في «الكتب الاربعة» المنزلة المشهورة، وإن جيلاً من هذا الخلق رغبوا عن علم اهل بيوتات الانبياء عليهم السلام واخذوا من حيث لم يؤمروا بأخذه وصاروا (1) الى «ما قد ترون من الصّدلال والجهل - وفي آخرها: «ما اراد من يقول هذا (2) الآ تقوية حجج المجوس؟ فما لهم - قاتلهم الله! -؟ الى إن قال عليه السلام (3) إن آدم عليه السلام ولد له سبعون بطناً في كلّ بطن غلام وجارية الى إن قُتل هابيل، (4) جزع آدم على هابيل جزعاً قطعه عن اتيان النساء، فبقى لا يستطيع إن يغشى حواء خمسمائة عام، ثم تجلّى (5) ما به من الجزع عليه (6) فغشى حواء، فوهب الله له «شيئاً» وحده وليس معه ثان واسم شيث «هبة الله» وهو أول وصي اوصى اليه (7) من الآدميين في الارض، ثم ولد له من بعد شيث «يافث» ليس معه ثان، فلمّا ادركا و اراد الله - تعالى (8) - إن يبلغ النسل (9) ما ترون وإن يكون ما قد جرى به القلم من تحريم ما حرّم الله - عزّ وجلّ - من الاخوات على الاخوة، انزل بعد العصر من (10) يوم الخميس حوراء من الجنة اسمها «نزلة» (11) فأمر الله - عزّ وجلّ - آدم إن يزوّجها من شيث، فزوّجها منه، ثم انزل بعد العصر من الغد حوراء من الجنة اسمها «منزلة»، فأمر الله - عزّ

ص: 17

- 1- الصافي فصاروا .
- 2- علل الشرايع و الصافي : هذا و شبهه .
- 3- الصافي : ثم قال .
- 4- الصافي فلما قُتل هابيل؛ علل الشرايع: فلما قتل قابيل هابيل.
- 5- علل الشرايع : تخلى .
- 6- عليه ليس في رواية الصافي .
- 7- علل الشرايع : وهو اول من اوصى اليه.
- 8- علل الشرايع و الصافي : عزّ وجلّ.
- 9- علل الشرايع و الصافي : بالنسل .
- 10- علل الشرايع : في.
- 11- اسم الحورية التي انزلها الله بعد العصر من يوم الخميس «نزلة» على ما رواه بحار الانوار نقلاً عن الامالى للصدوق، و كنز الدقائق نقلاً عن علل الشرايع، و «بركة» على ما رواه بحار الانوار نقلاً عن علل الشرائع، و «ترك» على ما رواه بحار الانوار نقلاً عن المحتضر نقلاً عن الشفاء و الجلاء، و «نزل» على ما ذهب اليه الجزائري في «قصص الانبياء» و هو قائل بيان «ترك» مصحف «نزل» ر.ك. بحار الانوار، ج 11، ب 5، روايات الباب.

و جلّ - (1) آدم إنّ يزوّجها من يافث ، فزوّجها منه، فولد لشيث غلام و ولد (2) ليافث جارية، فامر الله - تعالى (3) - آدم عليه السلام حين ادركا، إنّ يزوّج ابنة (4) يافث من ابن شيث ففعل، و ولد (5) الصّدفوة من التّبين و المرسلين من نسلهما، و معاذ الله ! إنّ يكون ذلك على ما قالوا من امر (6) الاخوة و الاخوات». (7)

[3] و فى « الفقيه »، عنه عليه السلام « إنّ آدم ولد له شيث و أن اسمه « هبة الله » و هو أوّل من اوصى (8) اليه من الأدميين «، و ساق الحديث الى آخر ما ذكره فى « العلل » . (9)

[4] و « العياشى »، عنه عليه السلام: « قيل له : إنّ التّاس يزعمون إنّ آدم زوّج ابنته من ابنه، فقال (10) : قد قال التّاس ذلك (11) و لكن (12) اما علمت إنّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال: لو علمت إنّ آدم زوّج ابنته من ابنه لزوّجت زينب من القاسم و ما كنت لأرغب عن دين آدم». (13)

[5] و فى « الكافى »، عن الباقر عليه السلام قال: « إنّ ذكر (14) له المجوس و إنّهم يقولون نكاح كنكاح وُلد آدم و إنّهم يحاجّوننا (15) بذلك، فقال عليه السلام : أمّا انتم فلا يحاجّونكم به، لمّا ادرك هبة الله ، قال آدم: يا ربّ! زوّج هبة الله! فاهبط الله (16) حوراء، فولدت (17) اربعة غُلّمة، ثمّ رفعها الله ، فلمّا ادرك ولد هبة الله ، قال: يا ربّ! زوّج ولد هبة الله !

ص: 18

- 1- علل الشرايع : تعالى .
- 2- علل الشرايع : ولدت .
- 3- علل الشرايع : عزّ و جلّ.
- 4- علل الشرايع : بنت؛ و الصافى : ابنه .
- 5- علل الشرايع فولد .
- 6- امر ليس فى رواية علل الشرايع .
- 7- علل الشرايع، مكتبة الحيدرية بالنجف الاشرف، باب 17 (علة كيفية بدء النسل)، ص 18، ح 2.
- 8- الفقيه و الصافى : و هو أوّل وصى اوصى.
- 9- الفقيه، ط 2 دار الاضواء، بيروت، ج 3، باب 99 (بدء النكاح و اصله) / 271/ رواية 1136/4 .
- 10- العياشى : فقال ابو عبد الله - عليه السلام -
- 11- العياشى : فى ذلك .
- 12- العياشى : ولكن يا سليمان !
- 13- العياشى، ط مكتبة العلمية الاسلامية 312/1 .
- 14- الكافى : ذكرت .
- 15- الكافى : يحاجرنا.
- 16- الكافى : فاهبط الله - عزّ و جلّ - له .
- 17- الكافى و الصافى : فولدت له .

فأوحى الله - عزّ وجلّ (1) إنّ يخطب الى رجل من الجنّ - وكان مسلماً - اربع بنات له على ولد هبة الله فزوّجهما (2) فما كان له (3) من جمال و حلم فمن قبل الحوراء و النبوة - لانتهاه الى آدم عليه السلام (4) - فما (5) كان من سفه او حدّة (6) فمن الجنّ . (7)

[6] و « العياشى »، عنه عليه السلام قال: « إنّ آدم عليه السلام ولد له اربعة ذكور، فاهبط الله - عزّ وجلّ (8) - اليه (9) اربعة من الحور العين (10)، فزوّج كلّ واحدٍ منهم واحدةً، فتوالدوا، ثمّ إنّ الله رفعهنّ و زوّج هؤلاء الاربعة اربعةً من الجنّ، فصار النسل فيهم، فما كان من حلم فمن، آدم و ماكان من جمالٍ فمن قبل (11) الحور العين، فما (12) كان من قبح او سوء خلقٍ من (13) الجنّ. (14)

[7] و فى رواية « لما ولد لآدم (15) هبة الله و كُبر، سئل الله إنّ يزوّجه! فانزل الله (16) حوراء من الجنة، فزوّجها ايّاه فولدت له اربعة بنين، ثمّ ولد لآدم ابنٌ آخر، فلما كُبر أمره إنّ تزوّج (17) الجنان (18) فولد له اربع بنات، فتزوّج بنو هذا بنات هذا، فما

ص: 19

- 1- الصافى : اوحى الله - عزّ وجلّ.
- 2- الكافى و الصافى : فزوجهن .
- 3- « له » ليس فى رواية الكافى.
- 4- لانتهاه الى آدم عليه السلام ليس فى رواية الكافى.
- 5- الكافى و الصافى و ما كان .
- 6- « حدّة » : ما يعترى الانسان من النزق و الغضب ، يقال : حدّ يجد حدّاً إذا غضب؛ ر.ك : مجمع البحرين، ج 3، فصل الدال باب الحاء، ص 35 .
- 7- الكافى (قسم الفروع)، ط 1، دار الاضواء، بيروت 1413 هـ. ق.، ج 5، باب 190 نوادر، صص 566 و 567، ح 58.
- 8- عزّ و جلّ لبس فى رواية العياشى و الصافى .
- 9- العياشى : اليهم.
- 10- الصافى : من الحور.
- 11- العياشى : قبال .
- 12- العياشى و الصافى : و ما.
- 13- العياشى و الصافى : فمن .
- 14- العياشى ط مكتبة العلمية الاسلامية، 215/1، ج 5 .
- 15- العياشى : آدم .
- 16- العياشى : امره فتزوج .
- 17- العياشى و الصافى : انزل الله له.
- 18- العياشى : الى الجنان.

كان من جمالٍ فمن قِبَلِ الحوراء (1) و ما كان من حلم فمن آدم (2) و ما كان من خفّة (3) فمن الجانّ (4) ، فلمّا تولدوا صعّدت الحوراء الى السّماء. (5)

[8] و في « الفقيه »، عنه عليه السلام « إنّ الله - عزّ و جلّ (6) - انزل على آدم حوراء من الجذّة، فزوّجها احد ابنيه و تزوّج الآخر ابنة الجانّ، فما كان في النّاس من جمال كثير او حسن خلق فهو من الحوراء و ما كان فيهم من سوء الخلق (7) فهو من ابنة (8) الجانّ. (9)

[9] و في « قرب الاسناد » عن الرّضا عليه السلام « ... حملت حوّاء هايبيل و اختأ له في بطن، ثمّ حملت في البطن الثّاني (10) قابيل و اختأ له في بطن، فزوّج (11) هايبيل التي مع قابيل و تزوّج قابيل التي مع هايبيل، ثمّ حدّث التّحريم بعد ذلك. (12)

[10] و في « المجمع »، عن الباقر عليه السلام « إنّ حوّاء امرأة آدم كانت تلد في كلّ بطن غلاماً و جاريةً، فولدت أوّل (13) بطن قابيل (14) - و قيل : قابين - و توأمته « اقليما » بنت آدم، و البطن الثّاني هايبيل و توأمته « لوزاء » (15) فلمّا ادركوا جميعاً أمر الله (16) آدم إنّ

ص: 20

- 1- العياشي من قبل حورالعين.
- 2- العياشي و الصافي من قبل آدم .
- 3- العياشي : حقد .
- 4- العياشي و الصافي : فمن قبل الجان.
- 5- العياشي ط مكتبة العلمية الاسلامية ج 216/1 ح 6.
- 6- الفقيه تبارك و تعالى
- 7- الصافي سوء خلق .
- 8- الصافي: فهو من آدم الجانّ
- 9- الفقيه ط دار الاضواء، بيروت، ج 3، باب 99 بدء النكاح و اصله، ص 271، ح 11375 .
- 10- الروايات مضطربة، انّ بعضها قائلة بأنّ المولود من البطن الاوّل قابيل - او قابين - و المولود من البطن الثّاني هايبيل (كما نقل الطبرسي و اليعقوبي و الاحتجاج) و بعض آخر قائلة بأنّ المولود من البطن الاوّل هايبيل و المولود من البطن الثّاني قابيل (كما نقل الصدوق في كمال الدين و العلل و الحميري في قرب الاسناد و ايضاً الاحتجاج) و لكن لا خلاف في إنّ التوامة في البطن الاوّل اقليما و التوامة في البطن الثّاني لوزاء - او لوبذاء او لبوذاء. رك: بحار الانوار، ج 11، ب 5، صص 218 - 250 .
- 11- الصافي : فتزوج .
- 12- قرب الاسناد، ط مؤسسة آل البيت عليهم السلام - ص 366 ح 1311 .
- 13- الصافي في اوّل .
- 14- المجمع قابيل بن آدم .
- 15- المجمع: لبوذاء.
- 16- المجمع : امر الله تعالى .

ينكح (1) قابيل اخت هابيل و هابيل اخت، قابيل فرَضِي هابيل و ابى قابيل [...] (2) فقرباً قرباناً فرضياً بذلك - الحديث» (3)

و سيأتى كلامه (4) فى سورة المائدة عند تفسير (وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَى آدَمَ (6)...) (7)

[11] وفى « الاحتجاج » عن السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «يحدّث رجلاً من قريش، قال عليه السلام : لما تاب الله على آدم واقع حواء ، ولم يكن غشياً منذ خُلِقَ و خُلِقَتِ الْآلَا فى الارض و ذلك بعد ما تاب الله عليه، قال: و كان (8) يعظّم البيت و ما حوله من حرمة البيت، فكان إذا اراد إن يغشى حواء خرج من الحرم و اخرجها معه، فاذا جاز (9) الحرم غشياً فى الحلّ، ثم يغتسلان اعظاماً منه للحرم، ثم يرجع الى فناء البيت، قال عليه السلام : فولد لآدم من حواء عشرون ذكراً و عشرون أنثى، يولد (10) له فى كلّ بطنٍ ذكر و أنثى، فأول بطنٍ ولدت حواءُ « هابيل » و معه جارية يقال لها: « اقليما »، قال: و ولدت فى البطن الثانى « قابيل » و معه جارية يقال لها: « لوزاء »، و كانت لوزاء اجمل بنات، آدم قال: فلما ادركوا خاف عليهم آدم الفتنة، فدعاهم اليه و قال (11) : اريد إن انكحك يا هابيل! لوزاء، و انكحك يا قابيل! اقليما، فقال (12) قابيل ما ارضى بهذا! اتنكحنى اخت

ص: 21

-
- 1- المجمع: إن ينكح آدم .
 - 2- المجمع و الصافى : لأنّ اخته كانت احسنهما، و قال: ما امر الله بهذا و لكن هذا من رأيك، فامرهم الله (المجمع : فامرهما آدم) إنّ يقرباً...
 - 3- مجمع البيان ط مطبعة، العرفان، صيدا، ج 2، ص 183 .
 - 4- الصافى يأتى تمامه .
 - 5- الصافى نبا آدم)
 - 6- المائدة / 27 .
 - 7- مجمع البيان، ط مطبعة العرفان، صيدا، ج 2، ص 183، ذيل آية 27 / المائدة.
 - 8- الاحتجاج : وكيان آدم .
 - 9- الصافى فاذا جاء الحرم.
 - 10- الاحتجاج : فولد له.
 - 11- الاحتجاج : فقال .
 - 12- الاحتجاج و الصافى قال .

هايبيل القبيحة و تنكح هاييل اختي الجميلة؟ قال : فاذاً (1) اقرع بينكما، فان خرج سهمك يا قابيل! على لوزاء او (2) خرج سهمك يا هاييل! على اقليما، و زوّجتُ كلَّ واحد (3) منكما التي خرج سهمه عليها، قال: فرضيا بذلك ، فاقرعا (4) قال: فخرج سهم قابيل على اقليما اخت هاييل و خرج سهم هاييل على لوزاء اخت قابيل (5) ، (6) فزوّجهما على ما خرج لهما من عند الله، قال: ثم حرم الله - تعالى (7) - نكاح الاخوات بعد ذلك، قال: فقال له القرشيّ [فاولدهما؟ قال : نعم! فقال له القرشيّ: (8) فهذا فعل المجوس اليوم!؟ قال: فقال عليه السلام : (9) إنّما (10) فعلوا ذلك بعد التّحريم من الله ، قال عليه السلام : (11) لا تنكر هذا، إنّما هي من شرائع الله جرت (12) ، أليس الله قد خلق زوجة آدم منه ثم احلّها له؟ فكان ذلك شريعةً من شرائعهم، ثم انزل الله التّحريم بعد ذلك ... (الحديث) .» (13)

(الى إن) قال الفيض الكاشاني:

«إن قيل : كيف التوفيق بين هذه الاخبار و الاخبار الاولى؟

قلنا : الاخبار الاولى هي الصحيحة المعتمد عليها و إنّما الاخيرة فإنّما وردت موافقةً للعامة فلا اعتماد عليها مع جواز تأويلها بما توافق الاولى» انتهى كلامه - علا

ص: 22

- 1- الاحتجاج والصابي : فانا.
- 2- الاحتجاج و .
- 3- الصافي : كل واحدة.
- 4- الاحتجاج : فاقترعاً.
- 5- الاحتجاج قال فخرج سهم هاييل على لوزاء اخت ، قابيل و خرج سهم قابيل على اقليما اخت هاييل
- 6- الاحتجاج و الصافي قال
- 7- « تعالى » ليس في رواية الاحتجاج .
- 8- كذا في رواية الاحتجاج و الصافي
- 9- الاحتجاج فقال علي بن الحسين - عليه السلام .
- 10- الاحتجاج و الصافي : إنّ المجوس إنّما.
- 11- الاحتجاج : ثم قال له علي بن الحسين - عليه السلام - ؛ الصافي : ثم قال - عليه السلام - له.
- 12- الصافي إنّما هي شرائع الله؛ الاحتجاج إنّما هي الشرايع جرت .
- 13- الاحتجاج ، ط 2 ، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت 1403 ه . ق، ص 314؛ فصص الانبياء للجزائري، ص 54 (نقلاً عن الخرائج للراوندي).

وأمّا الفاضل السيوري رحمة الله قال: (2)

« النسخ (3) : وهو عبارة عن رفع حكم شرعى لحكم (4) آخر متراخ عنه على وجه لولا الثانى لبقى الاول [وهو حق واقع لوجهه] »

و استدلل له بثلاثة ادلة، احدها، دعوى وقوع الاجماع بأنّ آدم كان يزوّج الاخ باخته ثمّ رفع ذلك. (5)

إذا عرفت كلام هؤلاء الاعلام المتخالفين فى الرأى، فنقول:

ذهب اكثر الاصحاب الى إنّ الله - تعالى - انزل من الجدّة حوريتين تزوّج بهما ابناه: شيث و يافث، فاولد احدهما ذكراً و الآخر أنثى، فتزوّج ابن العم بنت عمّه و نشاء النسل على طريقة مشروعة فى الاديان.

وربما ذهب شاذُّ الى إنّ آدم زوّج ابنته من ابنه و نشاء النسل من طريق الاخوة و الاخوات - و هذا القول إنّما هو من العامة.

و التحقيق: ما ذهب اليه اكثر الاصحاب

و ذلك لأنّ الروايات الواردة من طرفنا فى هذا الموضوع قد نقل الصدوق رحمة الله

ص: 23

1- الصافى، ط 3 مكتبة الصدر، طهران 1415 ه.ق.، ج 1، صص 415 - 418.

2- ر. ك: اللوامع الالهية فى المباحث الكلامية للفاضل السيورى ط مطبعة الشفق تبريز 1396، الفصل الثانى من اللامع العاشر / 232.

3- اللوامع: «الفصل الثانى فى النسخ.

4- اللوامع بحكم

5- اللوامع « الثالث: الاجماع واقع على إنّ آدم - عليه السلام كان يزوّج الاخ باخته، ثمّ رفع ذلك.»

منها اثنتين ذكرهما في «العلل» (1)، و الحميرى ذكر رواية منها (2) كما ذكر الطبرسى في «الاحتجاج» (3) رواية اخرى ايضاً، وسوف نتلو عليك تلك الروايات، ان شاء الله.

وجوه اشتراك الروايتان من «العلل»

و اما روايتنا الصدوق، فهنا مشتركتان في امور ثلاثة:

الاول: انكار حلّية الزواج بين الاخ و اخته في جميع الاديان و إنّ قبح ذلك جبلى مع الاتيان بمثالٍ و هو إنّ حيواناً تنكّرت له اخته و لمّا نرى عليها و انكشف له ذلك بعد الوقاع قبض على عز موله (4) باسنانه فقلعه و خرّ ميّتاً.

الثانى: نزاهة ساحة التشريع من الله الجليل عن تحليل ذلك، و أنّ يجعل خلق انبيائه و رسله و سائر خلقه من قرانٍ و زواجٍ قبّحه في اديانه و حرّمه في شرائعه لا- سيّما في «القرآن العظيم»، مع أنّه كان قادراً على ان يخلقهم من الحلال، و قد أخذ ميثاقهم على الحلال و الطّهر الطّاهر الطّيب.

الثالث: إنّ تزويج آدم بنيه من بناته خالٍ عن الصّحة و إنّّه كلام بعض الناس - اى العامة (5) - و يقول المعصوم عليه السلام: « تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً! »

وجوه امتياز الروايتان من «العلل»

[1- امتياز الرواية الاولى عن الثانية:]

ص: 24

- 1- علل الشرايع مكتبة الحيدرية بالنجف الاشرف، باب 17 علة كيفية بدء النسل صص 17 و 18، ح 1 و 2، كما اشترنا .
- 2- قرب الاسناد، ط مؤسسة آل البيت - عليهم السلام - / ص 366، ح 1311 .
- 3- الاحتجاج ، ط 2 مؤسسة الاعلمى للمطبوعات بيروت 1403 ه.ق.، ص 314 .
- 4- الصحيح : غر موله كما اشترنا سابقاً. -
- 5- يطلق لفظ الناس في لسان المعصومين - عليهم السلام - ويراد منه العامة و ذلك للتقيّة (منه - رحمه الله ...)

و امتازت إحدى الروايتين عن الأخرى ب :

[الف] انكار خلق حواء من ضلع آدم وإن ذلك يستلزم توبيخ الناس وقولهم: إن آدم نكح بعضه بعضاً، مع قدرة الله على إن يخلقهما معاً من الطين اللآزب او يخلق حواء بطريقة غير موجبة للتشنيع على خلق النوع البشرى.

[ب] ثم يستنكر الامام عليه السلام على القائلين بذلك، ويقول: « ما لهؤلاء؟ حكم الله بيننا وبينهم! وهذا كالتص في كون هذا الرأى من المخالفين. »

[2 - امتياز الرواية الثانية عن الاولى]

و امتازت الأخرى عن الاولى ب

[الف]: إن حرمة التزويج بين الاخوة و الاخوات كانت مما جرى عليه قلم التشريع فى اللوح المحفوظ قبل خلق آدم بألفى عام - و التعبير بهذا العدد كناية عن طول المدّة.

[ب]: و أنّها كانت مسجّلة فى الكتب السماوية: التوراة و الانجيل و الزبور و القرآن.

[ج]: و إنّّه ليس فيها تحليل شىء من ذلك التحو من التزويج حقاً.

[د]: و إنّ فقهاء العامّة معترفون بأنّ الاحكام المشروعة فى جميع الاديان كانت مضبوطة فى اللوح المحفوظ، و منها حرمة تزويج الاخوة بالاخوات، و هذا الزامٌ عليهم بما التزموا به من عدم اختلاف الشرائع فى الكليات، و منها ذلك ؛ فكيف يقولون بحليّة تزويج اولاد آدم بنيه من بناته و يجعلون ذلك سبب بدء النسل بهذه الكيفيّة ، و يقول المعصوم عليه السلام فى تلك الرواية يانّ سبب ذهابهم الى هذا المذهب هو رغبتهم عن علوم آل محمّد - صلى الله عليهم اجمعين - و اعراضهم عن بيوت الانبياء عليهم السلام و اخذهم العلوم عن غير اهلها و هم اصحاب المذاهب الاربعة، و عن المبدعين و المخالفين لاهل البيت عليهم السلام فإنّهم دخلوا فى تبه الجهل و الضلال، ثم يشنّع

ص: 25

المعصوم عليه السلام عليهم ويقول: « ويح هؤلاء! ».

وبعد ذلك يشرّح عليه السلام بدء النسل، بأنّ « آدم ولد له سبعون بطناً في كلّ بطن غلام و جارية و لمّا قُتل هابيل - قَتَلَهُ اخوه قابيل - انقطع آدم عن النساء لجزعه على ولده هابيل، فلم يستطع غشيان حواء خمسمائة عام، ثم تخلى ما به من الجزع، فغشى حواء فوهب الله له « شيثاً » وحده لا ثاني له و سمّاه « هبة الله » - و هو أوّل من اوصى اليه من الأدميين في الارض - و وهب الله له من بعد شيث « يافت » و لم يكن له ثان، فلمّا ادركا و اراد الله بقاء النسل انزل عصر الخميس من السماء حوريّةً و اسمها « بركة » (1) حذراً من الزّواج المحرّم، فزوّجها آدم بأمرٍ من الله شيثاً، ثمّ انزل عصر الجمعة حوريّةً اخرى و اسمها « منزلة » فزوّجها آدم بأمرٍ من الله من يافت، و ولد لشيث غلام و ليافت جارية، فزوّجها آدم بأمرٍ من الله بعد إن بلغا، فولد الصفوة من ولد آدم من النبيين و الصديقين من ولد هما - و معاذ الله إن يكون من الزواج المحرّم.

ما استفاد من روايتي « العلل »

و بالجملة : المستفاد من روايتي « العلل » امور :

الأول: إنّ حرمة الزّواج بين الاخوة و الاخوات حكم الهىّ - فى جميع الشرائع - مكتوب فى اللوح المحفوظ

الثانى: إنّ القول بحلّ ذلك، ينافى طيب مواليد الانبياء عليهم السلام (2) و غير هم من

ص: 26

1- الصحيح « نزلة » كما اشرنا .

2- عن ابا عبد الله - عليه السلام ثم قال - عليه السلام - بعد ذلك «.... ذلك إنّ الله شرع لبنى آدم طريقاً منيراً و اخرج من آدم نسلأ طاهراً طيباً اخرج منه الانبياء و الرسل، هم صفوة الله و خلص الجوهر، طهروا فى الاصلاب و حفظوا فى الارحام، لم يصبهم سفاح الجاهلية و لا - شات انسابهم لأنّ الله - عزّ و جلّ - جعلهم فى موضع لا يكون اعلى درجة و اشرفاً منه، فمن كان خازن علم الله و امين غيبه و مستودع سرّه و حجته على خلقه و ترجمانه و لسانه لا يكون الا بعد هذه الصفة فالحجة لا يكون الا من نسلهم...» رك: الاحتجاج للطبرسى - رحمه الله - ط 2، مابسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت 1403 ه.ق، ص 337 .

الثالث: إنّ العامّة قائلون بالحليّة، وقد جعل الله الرشد في خلافهم . (1)

الرابع: إنّ العامّة قائلون باتّفاق الاديان في كليّات الاحكام، و هو يناقض قولهم بحليّة تزويج الاخ اخته.

الخامس: إنّ جبلة بعض الحيوانات تأتي عن ذلك.

السادس: منافاة هذا الرأى مع قدرة الله تعالى - وهو الذى يمنع عن هذا التّزويج - على جعل وسيلة الى الزّواج المحلّل تكويناً، ولو فرضنا إنّ زمن آدم عليه السلام لم يكن زمن التّشريع ولا اقلّ تشريع حرمة هذا النحو من الزّواج، واعنى بذلك: إنّ اللائق بمقام التّشريع و لو بعد حين، هو ما ذكرنا.

السابع: إنّ حواء خلقت من فاضل طينة آدم لا من ضلعه الأيسر.

الثامن: إنّ الزّواج بين بنى الأعمام إنّما نشأ بعد بلوغ ابن شيث و بنت يافث.

تبين سند الروايتين من « العلل »

إنّ قلت: بيّن لنا سند الروايتين المذكورتين فى « العلل »! فإنّ الروايتين المذكورتين فى « العلل » معارضتان بروايتى «قرب الاسناد» و « الاحتجاج ».

قلت :

الرواية الثانية من « العلل » مرسله لأنّ الحسن بن مقاتل روى عن سمع « زرارة » و «ابن مقاتل» لم يوثق فى الرّجال، فالسند ضعيف.

ص: 27

1- رك: الاحتجاج ط 2 مؤسسة الاعلمى للمطبوعات بيروت 1403 هـ . ق ص : 358 ... قال ابو عبد الله - عليه السلام - : خذ بما فيه خلاف العامّة، فقد امر - عليه السلام - بترك ما وافق العامّة لأنه يحتمل إنّ يكون قد ورد مورد التّقية و ما خالفهم لا يحتمل ذلك. و روى عنهم - عليهم السلام - ايضاً أنهم قالوا: إذا اختلف احاديثنا عليكم، فخذوا بما اجتمعت عليه شيعتنا فإنّه لا ريب فيه.

و اما الرواية الاولى فيمكن القول باعتبارها رغم إنّ بدء السند إنّما السند إنّما هو « احمد بن محمد بن يحيى بن عثمان الاشعري » ولم يوثق في الرجال، و « احمد بن ابراهيم بن عمّار » و « ابن نويه » الواقعان قبل « زرارة » قد اهملا في الرجال إلا إنّ « احمد بن محمد الاشعري » - إنّما هو من مشائخ الاجازة، وقد روى عنه الاجلّة نظير « محمد بن يحيى العطار » و « احمد بن محمد بن ادريس »، و اما « احمد بن ابراهيم » و « ابن نويه » فقد وقع قبلهما « ابن فضال »، وقد ورد خبر معتبر في « غيبة » الشيخ الطوسي عن وكيل النّاحية متضمناً للامر باخذ روايات « بنى فضال » فالسند لا محالة قابل للاعتبار.

و اما المعارضتان، لهما، فرواية « الحميري » صحيحة، اذ الحميري وهو الثقة الجليل، الجامع ل « قرب الاسناد » نقلها عن « البنظي » صاحب الرضا عليه السلام، عنه عليه السلام وهي ناصّة في تزويج كلّ من هابيل وقابيل اخت الآخر وإنّ التّحريم حدّث بعد ذلك ولكن رواية « الاحتجاج » مرسلّة بالنسبة اليها و مجرد بناء جامع « الاحتجاج » على حذف الاسانيد - اختصاراً - مع اعتبار ما فيه لديه، لا يكفي لاعتبار ما فيه لدينا، لأنّ الاختلاف في المباني بالنسبة الى حُجّة الاخبار يمنعنا عن قبول كلّ خبر مروى في كلّ كتاب.

إضفُ الى ذلك: اشتمال الرواية على امور يبعد صدورها عن المعصوم عليه السلام .

و على اى حالٍ فالتّعارض بين الروايات في هذا الموضوع واضحٌ، و الترجيح السندى مع الاخيرتين إلا إنّ القرب المضمونى للواقع مع روايتي « العلل »، و البعد المضمونى - مضافاً الى اشتمال الاخيرة على الامور المستنكرة - مع الاخيرتين.

نصّ الروايات

و لتوضيح المطلوب - بأزيد ممّا ذكر - نذكر نصّ الروايات:

ص: 28

ذكر الصدوق رحمة الله في شأن هذا المطلب عدة روايات نقلها في « العلل » (1):

[1] [الرواية الاولى من « العلل »]: [قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى الله عنه قال حدّثنا احمد بن ادريس و محمّد بن يحيى العطار جميعاً، قال حدّثنا محمّد بن احمد بن يحيى بن عمران الاشعري قال: حدّثنا احمد بن الحسن بن على بن فضال، عن احمد بن ابراهيم بن عمّار قال: حدّثنا ابن نوية، رواه عن زرارة، قال: سئل ابو عبد الله عليه السلام: كيف بدّء (2) النسل من ذرية آدم عليه السلام؟ فانّ عندنا اناساً (3) يقولون: إنّ الله - تبارك و تعالى - اوحى الى آدم عليه السلام ان يزوّج بناته من بينه و إنّ هذا الخلق كلّ، اصله من الاخوة و الاخوات! قال ابو عبد الله عليه السلام سبحان الله [و تعالى] عن ذلك علوّاً كبيراً! - يقول من يقول هذا: إنّ الله - تعالى - (4) جعل اصل صفوة خلقه و احبّائه و انبيائه و رسله و حججه و المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات من حرام! و لم يكن له من القدرة ما يخلقهم من الحلال، و قد اخذ ميثاقهم على الحلال و الطّهر الطّاهر الطّيب، و الله! لقد نُبئت (5) إنّ بعض البهائم تنكّرت له اخته، فلمّا نزا عليها و (6) كشف له عنها و علم إنّها اخته اخرج عز موله (7)، ثم قبض عليه بأسنانه ثم قلعه، فخرّ (8) ميّتاً، قال زرارة: ثم سئل عليه السلام عن خلق حواء، و قيل (9): إنّ اناساً (10) يقولون: إنّ الله - عزّ و جلّ - خلق حواء من ضلع آدم الأيسر الأقصى، قال: سبحان الله، و تعالى عن ذلك علوّاً كبيراً! أيقول من يقول هذا: إنّ الله - تبارك و تعالى - لم يكن له من القدرة ما يخلق آدم و زوجته عن غير ضلعه (11) - و جعل لمتكلّم من اهل التشيع سبيلاً الى الكلام

ص: 29

- 1- علل الشرايع ط مكتبة الحيدرية بالنجف الاشرف، باب 17 (علة كيفية بدء النسل).
- 2- علل الشرايع بدو .
- 3- علل الشرايع : اناس
- 4- علل : الشرايع عزّ و جلّ.
- 5- علل الشرايع نبات
- 6- علل الشرايع و نزل كشف .
- 7- الصحيح غر موله كما اشرنا.
- 8- علل الشرايع ثم خرّ.
- 9- علل الشرايع و قيل له
- 10- علل الشرايع إنّ اناساً عندنا
- 11- علل الشرايع ما يخلق لآدم زوجته من غير ضلعه.

يقول: إن آدم كان ينكح بعضه بعضاً إذا كان من ضلعه - ما لهؤلاء؟! حكم الله بيننا وبينهم!

ثم قال عليه السلام: إن الله - تعالى (1) - لما خلق آدم من الطين، و امر الملائكة فسجدوا له، القى عليه السّبات، ثم ابتداء له خلقاً، ثم جعلها فى موضع النقرة التى بين وركيه - و ذلك لتكون (2) المرأة (3) تبعاً للرجل - فاقبلت تتحرك فانتبه لتحركها، فلما انتبه نوديت إن تنحى عنه، فلما نظر اليها نظر الى خلقٍ حسنٍ يشبه (4) صورته غير أنّها اثني فكلّمها فكلّمته بلُغته، فقال لها من انت؟ فقالت: خلقنى الله (5) كما ترى، فقال آدم عند ذلك: يا رب! من هذا الخلق الحسن الذى قد آنسنى قربه و النظر اليه؟ فقال الله: هذه امتى حواء، افتحب إن تكون معك فتونسك (6) و تأتمر لأمرى؟ قال: نعم، يا رب! و لك بذلك الحمد و الشكر ما ابقيت (7)، فقال الله - تعالى - (8): فاخطبها الّى فأنها امتى و قد تصلح ايضاً للشهوة، و القى الله عليه الشهوة و قد علّمه قبل ذلك المعرفة، فقال: يا رب! فأنّى اخطبها اليك فما رضاك بذلك؟ فقال: رضائى (9) إنّ تعلّمها معالم دينى فقال: ذلك لك يا رب! إنّ شئت ذلك، فقال (10) قد شئت ذلك، و قد زوجتكها فضمّمها اليك، فقال: اقبلى! فقالت: بل انت فاقبل الّى! فامر الله - عزّ و جلّ (11) إنّ يقوم اليها، فقام، و لولا ذلك لكان النساء (12) يذهبن الى الرجال حتى خطبن على انفسهنّ، فهذه قصة حواء . عليها السلام (13)

[2]: الرواية الثانية الواردة فى «العلل»: «ابى رحمة الله، قال: حدثنا محمد بن يحيى

ص: 30

- 1- علل الشرايع: تبارك و تعالى .
- 2- علل الشرايع لكى تكون .
- 3- علل الشرايع: المرأة .
- 4- علل الشرايع تشبه .
- 5- علل الشرايع : خلق خلقنى الله .
- 6- علل الشرايع فتونسك و تحدثك .
- 7- علل الشرايع : ما بقيت .
- 8- علل الشرايع : تبارك و تعالى .
- 9- علل الشرايع رضائى .
- 10- علل الشرايع قال .
- 11- علل الشرايع فامر الله - عز و جل - آدم .
- 12- علل الشرايع لكان النساء هن يذهبن .
- 13- علل الشرايع طمكتبة الحيدرية بالنجف الاشرف ب 17 ، علة كيفية بدء النسل، ص 17، ج 1

العطار عن الحسين بن الحسن بن ابان عن محمد بن ، اورمة عن النوفلى عن على بن داود اليعقوبى عن الحسن بن مقاتل عمّن سمع زرارة، يقول: سئل ابو عبد الله عليه السلام من (1) بدء النسل من آدم كيف كان؟ وعن بدء النسل من ذرية آدم فإنّ اناساً عندنا يقولون: إنّ الله - عزّ و جلّ - اوحى الى آدم إنّ يزوّج بناته من بنيه (2) و إنّ هذا الخلق اصله من الاخوة و الاخوات ، فقال ابو عبد الله عليه السلام تعالى الله عن ذلك علوّاً كبيراً! يقول من قال هذا يانّ الله - عزّ و جلّ - خلق صفوة خلقه و احبائه و انبيائه و رسله و المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات من حرام و لم يكن له من القدرة ما يخلقهم من حلال، و قد اخذ ميثاقهم على الحلال الطّهر الطّاهر الطّيب، فوالله لقد نبئت (3) إنّ بعض البهائم تنكرت له اخته فلما نزا عليها و نزل كشف له عنها، فلمّا علم إنّها اخته الخرج عزموله (4) ، ثم قبض عليه باسنانه حتى قطعه، فخرّ ميّتاً - و آخر قد تنكرت (5) له امه ففعل هذا بعينه - فكيف الانسان فى انسيته و فضله و علمه؟ غير إنّ جيلاً من هذا الخلق الذى ترون رغبوا عن علم اهل بيوتات انبيائهم و اخذوا من حيث لم يؤمروا بأخذه، فصاروا الى ما قد ترون من الضلال و الجهل بالعلم، كيف كانت الاخبار (6) الماضية فى (7) بدء إنّ خلق الله ما خلق و ما هو كائن ابدأ؟ ثم قال: ويح هولاء! اين هم عمّا لم يختلف فيه فقهاء اهل الحجاز و لا فقهاء اهل العراق؟ إنّ الله عزّ و جلّ - امر القلم، فجرى على اللوح المحفوظ بما هو كائن الى يوم القيامة قبل خلق آدم بالفى عام و إنّ كتب الله كلّها فيما جرى فيه القلم، فى كلّها تحريم الاخوات على الاخوة مع ما حرّم، و هذا نحن قد نرى منها هذه الكتب الاربعة المشهورة (8):

ص: 31

- 1- علل الشرايع : عن .
- 2- علل الشرايع إنّ يزوّج بناته بينيه.
- 3- علل الشرايع تبينت .
- 4- الصحيح غرمول كما اشترنا.
- 5- علل الشرايع و آخر تنكرت .
- 6- علل الشرايع الاشياء.
- 7- علل الشرايع من .
- 8- علل الشرائع المشهورة فى هذا العالم .

التوراة والانجيل والزبور والفرقان انزلها الله من (1) اللوح المحفوظ على رسله - صلوات الله عليهم اجمعين - منها التوراة على موسى عليه السلام والزبور على داود عليه السلام والانجيل على عيسى عليه السلام والقرآن على محمد صلى الله عليه وآله وعلى النبيين عليهم السلام وليس فيه تحليل شىء من ذلك حقاً: اقول ما اراد من يقول هذا وشبهه الا تقوية حجج المجوس؟ فما لهم؟ قاتلهم الله ثم نشاء (2) يحدثنا: كيف كان بدء النسل من آدم و! كيف كان بدء النسل فى (3) ذريته؟ فقال: إن آدم عليه السلام ولد له سبعون بطناً، فى كل بطن غلام و جارية، الى إن قتل هابيل، فلما قتل قابيل هابيل جزع آدم على هابيل جزعاً قطعته عن اتيان النساء فبقى لا يستطيع إن يغشى حواء خمسانة عام، ثم تخلى ما به من الجزع عليه، فغشى حواء فوهب الله له «شيثاً» وحده ليس له (4) ثان، واسم شيث « هبة الله » وهو اول من اوصى اليه من الآدميين فى الارض، ثم ولد له من بعد شيث « يافث » ليس معه ثان، فلما ادركا و اراد الله - عزّ و جلّ - إن يبلغ النسل (5) ما ترون و إن يكون ما قد جرى به القلم من تحريم ما حرّم الله - عزّ و جلّ - من الاخوات على الاخوة، انزل بعد العصر فى يوم الخميس حوراء من الجنة اسمها « بركة » (6)، فامر الله - عزّ و جلّ - آدم إن يزوجه من شيث فزوجه منها، ثم انزل بعد العصر من الغد حوراء من الجنة اسمها « منزلة »، فامر الله - تعالى - آدم إن يزوجه من يافث، فزوجه منها، فولد لشيث غلام و ولد (7) ليافث جارية، فامر الله - عزّ و جلّ - آدم حين ادركا إن يزوجه بنت يافث من ابن شيث ففعل، فولد الصفوة من النبيين والمرسلين من نسلهما، و معاذ الله إن يكون (8) على ما قالوا فى (9) الاخوة و الاخوات». (10)

ص: 32

- 1- علل الشرايع عن
- 2- علل الشرايع انشاء
- 3- علل الشرايع من
- 4- علل الشرائع ليس معه .
- 5- علل الشرايع بالنسل
- 6- علل الشرايع نزلة مرت الاشارة الى اختلاف الروايات فى اسمها، فراجع.
- 7- علل الشرايع ولدت .
- 8- علل الشرايع إن يكون ذلك.
- 9- علل الشرايع : من .
- 10- علل الشرايع طمكتبة الحيدرية بالنجف الاشرف، باب 17 ، علة كيفية بدء النسل، ص 18، ح 2 .

[3] واما رواية « الاحتجاج » المذكورة في باب احتجاجات الصادق عليه السلام في حديث مسالة الزنديق عن الصادق عليه السلام « قال [الزنديق] : فإنتهم احتجّوا باتيان الاخوة إنتها سنّة ، آدم قال عليه السلام : فما حجّتهم في اتيان البنات و الامهات ؟ [وقد حرّم ذلك آدم] ... « (1)

و هذا الحديث مرسل - الى إن قال رحمة الله : وعن سوال الزنديق الذي سال ابا عبد الله عليه السلام عن مسائل كثيرة - بل إن هذا الكتاب المستطاب الذي فيه من المطالب العالية الراجعة الى العقائد الحقّة و ولاية الائمة عليهم السلام ، و بيان إنّ فدك من فاطمة عليها السلام و احتجاجاتها على ابي بكر و غيره في جملة من القضايا و غير ذلك ، محذوفة الاسانيد فليس بحجّة الا إن يعاضده ما في غيره من الصّحاح كما في ثلّة من مسائله كمسالة فدك و غيرها.

[4]: واما رواية « قرب الاسناد » قال في الجزء الثالث في ما روى البيزنطي عن الرضا عليه السلام: « و ساله (2) عن الناس، كيف تناسلوا عن آدم عليه السلام؟ قال: حملت حواء هايبيل و اختاً له في بطن، ثم حملت في البطن الثاني قابيل و اختاً له في بطن، فتزوّج (3) هايبيل التي مع قابيل و تزوّج قابيل التي مع هايبيل، ثمّ حدث التّحرّيم بعد ذلك « (4).

وجوه لترجيح روايتي «العلل» و توضيح ما سلف

لكنّ الترجيح لروايتي «العلل» من وجوه تقدّمت الاشارة اليها و لا باس

ص: 33

1- الاحتجاج ، ط 2، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت 1403 هـ .ق.، ص 346.

2- قرب الاسناد و سالتة

3- قرب الاسناد فزوّج.

4- قرب الاسناد، ط مؤسسة آل البيت - عليهم السلام - ص 366 ح 1311 عن الرضا - عليه السلام

بالإشارة إليها بصورة أخرى توضيحاً لما سلف:

اولاً: القرب المضمونى للتعبيرات الواقعة فيها مع الواقع، اذ فيهما تنبيه الى انّ الفطرة الانسانية إذا لم تصر مشوبة بالشّهوات المغرية و المضلّلات المخزية و البيئات المحاطة بالقوانين الوحشية، تستنكر هذه العملية، لانّ النكاح مع اقرب الاقربين بما هو هو عمل حيوانى قبيح لا محالة من حيث الارتكاز ما لم يتبدل الى حالة غير طبيعيّة - كما قلنا - بل ذكرنا انّ جبلة الحيوان (ولو على نحو الموجبة الجزئية) تنكر ذلك، فهذه قرينة عقلية على صحّة صدورهما.

ثانياً: قول المعصوم عليهم السلام عند بيان التّحريم: « معاذ الله»، « سبحان الله»، « تعالى الله عن ذلك علواً كبيراً» مصدرًا لتلك الكلمات عند بيان التّحريم، اذ إنّ تلك التعبيرات تنبىء عن شدة قبح النكاح الاخوى و عدم تناسبه مع الشريعة الالهية، و ذلك يرشد انّ ما خالفهما خرج مخرج التّفهيم.

ثالثاً: الاخبار الدالة على انّ آدم عليه السلام كان على دين احمد صلى الله عليه و آله (1) و من ضروريات دين احمد صلى الله عليه و آله ما تحريم النكاح الاخوى - تدلّ على ما ذكر.

رابعاً: انّ هذا النكاح - المرغوب عنه - لو كان مرغوباً فيه، لدام، و لذا استكرهه القرشى كما فى « الاحتجاج» (2).

خامساً: ما فيهما من نداء الفطرة باعلام القدرة الالهية على خلق زوجة ليس بأختٍ لعدم تلوث الارحام بنكاح الاخوات.

سادساً: ما فيه من وقوع انبياء الله و صفوة خلقه فى معرض قول الناس فى حقّهم: ينكح بعضهم بعضاً.

ص: 34

1- قال الصادق - عليه السلام - « ... ما كان آدم الا على دين رسول الله - صلى الله عليه و آله » رك بحار الانوار ج 226/11 - 6 نقلاً عن

كتاب « المحتضر » للحسن بن سليمان

2- استكرهه القرشى يفهم من قول الامام السجاد - عليه السلام - : لا تنكر هذا رك: الاحتجاج، ط 2 مؤسسة الاحتجاج، ط 2، مؤسسة

الاعلمى للمطبوعات، 1403 هـ . ق، ص 315 .

سابعاً: الاخبار الدالّة على إنّ كليات الشرائع لا تتغيّر، اذ منها حرمة نكاح الاخوات و بذلك يظهر فساد مزعمة: إنّ « الشرائع تتغيّر و لم لا يجوز إنّ يكون ما هو حرام فى شريعتنا حلالاً فى شريعة آدم عليه السلام ؟ ».

ثامناً: قضاء ضرورة العقل بأنّ المفاسد النفس الامريّة لا تتغيّر اذ منها مفسدة نكاح الاخوات.

تاسعاً: كون مضمون خبرى « الاحتجاج » و « قرب الاسناد » تامّ المطابقة مع مذهب العامة، فقد صرح « الطبرى » فى « تاريخه » (1) بأنّ آدم « كان يزوّج غلام هذا البطن جارية هذا البطن الآخر »، و إنّ اختلاف هاييل مع قاييل فى نكاح اختيهما، و كون اخت قاييل - الجميلة - فى معرض نكاح هاييل و اخت هاييل - القبيحة - فى معرض نكاح قاييل، قد صار سبب قتله اخاه و إنّ آدم كان اذا بلغ الذّكر من كلّ بطن زوّج منه الانثى من البطن الآخر، و إنّ هذه السنّة استقرت فى اولاد آدم حتى نكح شيث بن آدم اخته « ح زورة » بنت آدم، و نكح « يانش » بن شيث اخته « نعمة » بنت شيث.

و صرح « ابن الاثير » فى « الكامل » (2) قائلاً: « إنّ حوّاء ولدت لآدم اربعين ولداً لصلبه من ذكر و انثى فى عشرين بطناً و كان الولد منهم اىّ اخواته شاء تزوّج، الّا توامة (3) التى ولدت (4) معه، فإنّها لا تحلّ له و ذلك لانّ يومئذ لم يكن معهم نساء (5) الّا اخواتهم و امّهم حوّاء، فامر آدم ابنه قاييل إنّ ينكح توامة هاييل و امر هاييل إنّ ينكح توامة قاييل » (6) ثمّ ذكر إنّ ذلك صار سبباً لقتل قاييل هاييل.

ص: 35

1- تاريخ الطبرى ط 4 مؤسسة الاعلمى للمطبوعات بيروت 1403 هـ .ق.، ج 1، ص 92؛ و فى ترجمته، ط 3 اساطير 1362، ج 1، ص 87.

2- الكامل فى التاريخ لابن الاثير ط 2 دار بيروت و دار صادر بيروت 1385 هـ .ق، ج 1، ص 23.

3- الكامل توأمته.

4- الكامل: تولد معه.

5- الكامل و ذلك إنّ لم يكن يومئذ نساء.

6- الكامل: توامة الحيه قاييل

وَصَرَّحَ الْمَسْعُودِيُّ فِي « مَرُوجِ الذَّهَبِ » (1) « إِنَّ آدَمَ زَوَّجَ اخْتِ هَائِيلَ لِقَائِنَ (2) وَاخْتِ قَائِنَ لِهَائِيلَ - وَفَرَّقَ فِي النِّكَاحِ بَيْنَ الْبَطْنِيِّينَ وَ هَذِهِ سَنَةَ آدَمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - اِحْتِيَاظًا لِأَقْصَى مَا يُمْكِنُهُ فِي ذَوَى الْمَحَارِمِ لِمَوْضِعِ الْاضْطِرَارِ وَ عَجْزِ النَّسْلِ عَنِ التَّبَايُنِ وَ الْاِغْتِرَابِ ».

وَ الْحَاصِلُ: إِنَّ ظَاهِرَ هَوْلَاءَ عَدَمِ الْخِلَافِ بَيْنَ الْعَامَّةِ فِي حَلِيَّةِ نِكَاحِ الْاِخْوَاتِ فِي تِلْكَ الشَّرِيعَةِ، فَمُضْمُونُ خَبَرِ « قَرَبِ الْاِسْنَادِ » مِنْ تَزْوِيجِ هَائِيلَ اخْتِ قَائِيلَ وَ بِالْعَكْسِ مُوَافِقٌ لِمَذْهَبِ الْعَامَّةِ حَسَبِ تَصْرِيحِ هَوْلَاءَ الْمَعْرُوفِينَ الْمُتَضَلِّعِينَ مِنْ مَوْرَخِيهِمْ.

كَمَا إِنَّ مُضْمُونُ خَبَرِ « الْاِحْتِجَاجِ » (3) مِنْ تَوْلَدِ عَشْرِينَ بَطْنًا فِي كُلِّ بَطْنٍ ذَكَرَ وَ اُنْثَى وَ تَزْوِيجِ اخْتِ هَائِيلَ لِقَائِيلَ وَ اخْتِ قَائِيلَ، لِهَائِيلَ مُوَافِقٌ لِمَا فِي « الْكَامِلِ » لِابْنِ الْاَثِيرِ وَ نِزَاعِ الْاِخْوِينَ لِاجْلِ تَزْوِيجِ اخْتِ هَائِيلَ الْقَبِيحَةَ لِقَائِيلَ وَ اخْتِ قَائِيلَ الْجَمِيلَةَ لِهَائِيلَ مُوَافِقٌ لِمَا فِي « تَارِيخِ الطَّبْرِيِّ ».

وَ مُضْمُونُ ذَيْلِهِ [اِىْ خَبَرِ « الْاِحْتِجَاجِ »] مِنْ خَلْقِ زَوْجَةِ آدَمَ مِنْ ضَلْعِهِ الْمَسْتَلْزَمِ لِنِكَاحِ بَعْضِهِ بَعْضًا، مُوَافِقٌ لِمَذْهَبِ الْعَامَّةِ الَّذِي اِنْكَرَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَرِيحًا اَشَدَّ الْاِنْكَارِ فِي الرَّوَايَةِ الْاُولَى مِنْ « الْعَلَلِ » الَّتِي عَرَّفَتْ اِعْتِبَارَهَا، فَمُقْتَضَى الصَّنَاعَةِ فِي عِلَاجِ الْمُتَعَارِضِينَ حَمَلِ هَذَيْنِ عَلَى التَّقْيَّةِ وَ الْاِخْذِ بِمُضْمُونِ خَبَرِ « الْعَلَلِ »، وَ لِذَا اعْتَمَدَ عَلَيْهَا وَ اَخَذَ بِمُضْمُونِهَا اَكْثَرَ الْاَصْحَابِ، فَالْحَقُّ مَعَهُمْ فِي كَوْنِ بَدْءِ النَّسْلِ - عَلَى مَا فِي ثَانِي خَبَرِ « الْعَلَلِ » - مِنْ الطَّرِيقِ الظَّاهِرِ الْمُحَلَّلِ فِي جَمِيعِ الشَّرَائِعِ مِنْ زَوَاجِ الْاِنْسَى

ص: 36

1- مَرُوجِ الذَّهَبِ، لِلْمَسْعُودِيِّ، ط 2 مَوْسَسَةُ اِسْمَاعِيلِيَّانِ طَهْرَانَ 1970 م. بِالْاِفْسِيَّةِ مِنْ طَبْعِ پَارِيسِ الْمُتَرْجِمِ تَحْتِهَا بِاللُّغَةِ الْاِنْكَلِيزِيَّةِ، ج 1، ص 63

2- اَهْلُ الْعِلْمِ مُخْتَلِفُونَ فِي اِسْمِ قَائِيلَ بِعَضْهِمْ يَقُولُ: « قَيِّنٌ »، وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: « قَائِنٌ » وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: « فَائِنٌ »، وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: « قَائِبِنٌ ».

رَكُّ الْكَامِلِ لِابْنِ الْاَثِيرِ، ج 1، ص 37 تَارِيخٌ لِلطَّبْرِيِّ، ج 1، ص 72

3- يَعْنِي بِهِ رَوَايَةُ الْاِحْتِجَاجِ عَنِ السَّجَادِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -

مع الحوريّة و خروج الصفوة و باقى الخليقة من ذلك.

و لعلّ رواية « البحار » التى ذكرها العلامة المجلس رحمة الله تؤيّد ما قلناه، فقد ذكر رحمة الله فى باب النبوة من كتابه تحت عنوان « باب [5] تزويج آدم حواء و كيفية بدء النسل منهما»، لكنّه نقلها عن « العياشى » و رمّز لها بحرف « شى » قال:

«عن سليمان بن خالد، قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك! إنّ الناس يزعمون إنّ آدم زوّج بنته (1) من ابنه فقال ابو عبد الله عليه السلام: قد قال الناس كذلك (2)، لكن يا سليمان اما علمت إنّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال: لو عملتُ إنّ آدم زوّج بنته من ابنه لزوّجتُ زينب من القاسم، و ماكنتُ لارغبُ عن دين آدم....» الخ (3)

فهذا يدلّ - بصراحةٍ - على إنّ تحريم المحرّمات كان مشروعاً فى جميع الاديان من آدم الى خاتم - صلوات الله عليهم اجمعين.

و يتلخّص من مجموع كلمات القوم الذين ذهبوا الى تزويج الاخوة بالاخوات من اولاد آدم ادلّة اربعة:

الاول: اطلاق الآية التى فى اوّل « سورة النساء ».

الثانى: الاجماع .

الثالث: إنّ الزّواج لا بد إنّ يكون مع السنخية و لا سنخية بين انواع الحيوان و ، لاسيّما بين الجانّ بالنسبة الى الانسان.

الرابع: الاخبار .

ص: 37

1- البحار ابنته.

2- البحار ذلك.

3- البحار، ج 11، ص 245 (شى) رواية 44 ب 5

أما الأول: فقد اسمعناك كلام العلامة الطَّبَّاطبائى قدس سره فى ميزانه بأنَّ اطلاق الآية يقتضى بثَّ النسل من آدم وحوّاء بدون اشتراك غيرهما فى نشر النسل.

و الجواب: إنّ مطلقات « القرآن » فى غالب الموارد لم تبق على اطلاقها، و ناهيك إنّ المحقق الاعظم الشيخ الانصارى قدس سره ذهب الى إنّ ما ورد فى المعاملات ليس بمطلق لما رأى بأنَّ المطلقات الواردة فى المعاملات نظير (أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ) (1) (وَتِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ) (2) و ما شاكل ذلك، لا يمكن الاستناد اليها، فقال: إنّها مسوقة لبيان اصل التشريع لا لبيان الوظيفة الفعلية.

و بالجملة: كلّ مطلق فى كلّ كلام قابلٌ للتقييد و بالخاص مطلقات « القرآن » الذى انزله الله معجزة فى الكلام و يناسب الاعجاز مع الاختصار، فلنا إنّ تقيّد الآية المذكورة بما ورد فى « العلل ».

و اما [جواب] الثانى

ف [اولاً:] من الغريب دعوى الاجماع من الفاضل السيورى رحمة الله فى المسألة التى لم تكن معنونة عند العلماء باسرههم.

و ثانياً: إنّ الاجماع كان مدركيّاً بل و لم يكن محصلاً.

و ثالثاً: إنّ كان فى مورد الخلاف كما عرفت .

و رابعاً: إنّ لم يكن الناقل عن هذا الاجماع الا السيورى.

و خامساً: إنّ لا معنى لعقد الاجماع فى غير الاحكام الشرعية.

ص: 38

1- البقره / 275 .

2- النساء / 39 .

و اما [جواب] الثالث و هو عدم وجود السَّنخِيَّة بين انواع الحيوان فى عالم التناسل و الزواج مع مفروغِيَّة لزوم السَّنخِيَّة بين العلة و المعلول و الا لزم عِلِّيَّة كلِّ شَيْء لِكُلِّ شَيْء المستلزم لعدم عِلِّيَّة اى شَيْء لَشَيْء آخر.

و يويد ذلك ما ورد فى الكتاب العزيز من اِنَّه لا تبديل لسنة الله (1) بعد معلوميَّة اِنَّ سنة الله على قسمين:

سنة تكوينيَّة و هى ما نراها فى العلل و المعاليل .

و سنة تشريعيَّة و هى ما يشير اليها الخبر المعروف : « حلال محمّد حلال الى يوم القيامة ».

و الجواب عن ذلك لا يحتاج الى ازيد من تقطّن واحد و هو اِنَّ الجاعل للاسباب قادر بنفسه على تبديل الاسباب و خلق اسباب جديدة ابداعاً منه - تعالى شأنه و لكن لا مجازفة و حاشا البارى - تعالى عن ذلك - بل لمصالح كثيرة متنوّعة، أو ما ترى و تقرأ - ايها المستشكل ! - قوله تعالى : (يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ) (2) و لا تتفكّر فى قضية ابراهيم الخليل عليه السلام المصرّحة فى « القرآن العظيم » و اما ترى نفخ عيسى عليه السلام فى الطين (3) ، و اما ترى قوله تعالى حاكياً عن مريم عليها السلام حيث قالت: (رَبِّ اِنِّي كُنْتُ لى وُلْدًا و لَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ اِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) (4) ، و مثل ذلك كثير .

و خلاصة الجواب : اِنَّ الفرار عمّا قبحه هو - تعالى - تشريعاً من بدء التشريع او يقبّحه فى الشرائع الآتية على حسب العقل السليم يكون من المصالح التى يكون التصرف فى العلل و المعاليل بابداع منه - تعالى - لاجلها لازماً و ذلك بايجاد السَّنخِيَّة بين حوريَّة و انس و جنّيَّة و انس و لا ينقضى عجبى من هذا العلامة الفيلسوف حيث

ص: 39

1- اشارة الى آية (لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا) الاحزاب / 62 و فاطر / 43 ، و الفتح / 23

2- الانبياء / 9

3- ر.ك: آل عمران / 49

4- آل عمران / 27

يسأل من الله تزويجه بحور العين وينكر ذلك لابن آدم مع إنَّ السَّ نَخِيَّةَ لازمة في جميع العوالم بعد الفراغ من إنَّ الانسان انسانٌ بما له من الطباع والغرائز في اى نشأة من النَّشآت، فكيف لا يرى هذا الفيلسوف إنَّ القرآن نصَّ على مخالطه هاروت و ماروت مع النوع البشرى و الاخبار تنصُّ على ما صدر منهما فراجع إنَّ كنت من اهل الرجوع .

و اما قوله ايضاً: « إنَّ الفطرة لا تنفى مثل ذلك النكاح بدليل صدوره من مثل المجوس او عن الطريق غير القانونى .»

فالجواب عنه : إنَّ قياس الفطرة المشوبة بالفطرة السليمة و بالعكس فاسدٌ و الّا فالفطرة الملوثة لا تآبى حتى الزنى بالأم .

و اما [جواب] الرابع فقد اسمعناك بإنَّ الروايات مختلفة و الترجيح لروايتى « العلل » بقرائن - قد مرَّ ذكرها فلا نعيد - و على فرض التساقط فاخذ الراى فى هذه المسألة التى توجب الذهاب الى نكاح الاخوة بالاخوات اشتمزاز النفوس الابية عن كون الانبياء عليهم السلام و الصلحاء من هذا النوع من الزّواج، بل عدم فائدة دنيوية او اخروية. علمية او عملية فى ذكرها كما جزم به ، بعضٌ لو لم يكن قبيحاً فلا اقلّ من كون السكوت عن القول باحد الطرفين و التوقف اوفق بالاعتبار و انسب بالنسبة الى كرامة اولياء الله .

اللهم انى ارجو منك الهام الصواب و عدم الاعتراض بالمصطلحات و آخر دعويننا إنَّ الحمد لله ربّ العالمين.

- 1- القرآن الكريم.
- 2- الاحتجاج: العلامة الطبرسي، ط 2 مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت 1403 هجرى قمرى .
- 3- بحار الانوار : العلامة المجلسي، بيروت.
- 4- تاريخ الطبري : محمد بن جرير طبري، ط 4 مؤسسة الاعلمي للمطبوعات بيروت 1403 هجرى قمرى .
- 5- ترجمه تاريخ يعقوبى محمد ابراهيم، آيتى ط 2 بنگاه ترجمه و نشر كتاب تهران 1356 هجرى شمسى قمرى .
- 6- تفسير الصافي: العلامة الفيض الكاشاني، ط 3 مكتبة الصدر تهران 1415 هجرى قمرى .
- 7- تفسير مجمع البيان : العلامة الطبرسي، ط 3 مكتبة الصدر تهران 1415 هجرى قمرى .
- 8- تفسير الميزان : العلامة الطباطبائي، جامعة المدرسين، قم المشرفة.
- 9- تفسير العياشى : ابى النصر محمد بن مسعود بن عياش السلمى السمرقندى مكتبة العلمية الاسلامية، 1308 هجرى قمرى .
- 10- تنزيه الصفوة : العلامة الفانى، ط 1 ، قم المشرفة.
- 11- علل الشرائع : الصدوق مكتبة الحيدرية، النجف الاشرف 1385 هجرى قمرى .
- 12- قاموس المحيط : الفيروز آبادى، ط 1، دار احياء التراث العربى ، بيروت 1412 هجرى قمرى .
- 13 - قرب الاسناد : الحميرى ط 1 مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم المشرفة 1413 هجرى قمرى .
- 14- الكافي : ثقة الاسلام الكليني، ط 1 دار الاضواء، بيروت 1413 هجرى قمرى .
- 15- الكامل فى التاريخ : ابن الاثير ط 2 دار بيروت و دار صادر، بيروت 1385 هجرى

17 - اللوامع الالهية فى المباحث الكلامية : الفاضل السيورى ط مطبعة الشفق تبريز 1396 هجرى قمرى .

18 - مجمع البحرين : الطريحي مكتبة الآداب، النجف الاشرف.

19 - مروج الذهب: المسعودى، ط 2 باريس 1970 م، اوفست مؤسسة اسماعيليان، تهران.

20- من لا يحضره الفقيه الصدوق، ط 2 دار الاضواء، بيروت 1413 هجرى قمرى .

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

